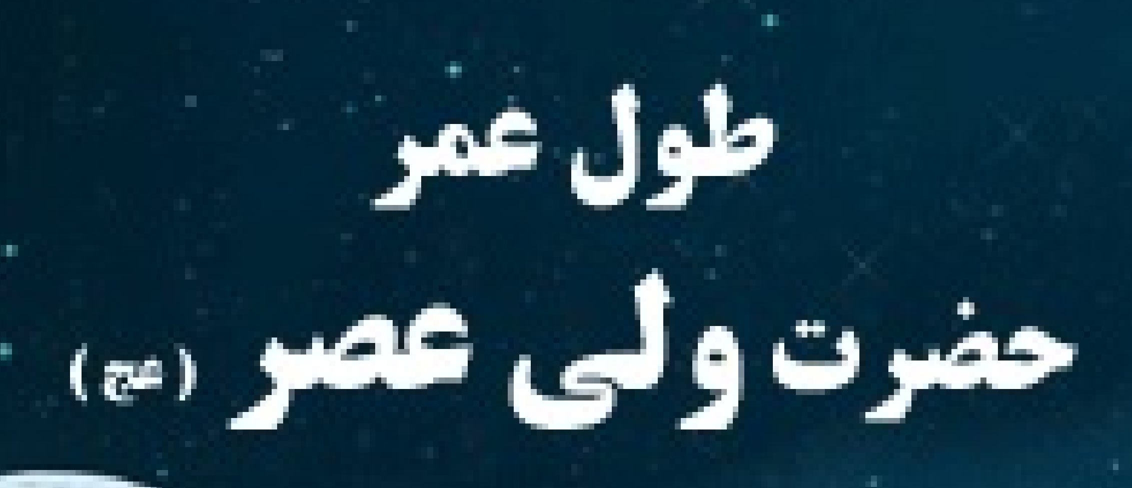


لطف الله صافی گلپایگانی


بسم الله الرحمن الرحیم

طول عمر حضرت ولی عصر (عج)

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی (دام ظله)

ناشر چاپی:

دفتر آیت‌الله‌العظمی شیخ لطف‌الله صافی‌گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

طول عمر حضرت ولی عصر (عج)

مشخصات کتاب

نویسنده : لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر: قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶.

مقدمه

یکی از مطالبی که همواره بشر در جستجو و تحصیل آن بوده، طول عمر و زندگی است؛ طول عمر توأم با سلامتی و توفیق از نعمتهائی است که ارزش آن را نمی‌توان معین کرد، غریزه حب به ذات، حب بقا و غرائز دیگر انسانها راعاشق و دل باخته طول عمر ساخته و آنها را وادار می‌سازد که در این راه منتهای سعی و تلاش را انجام دهند تا بلکه مدتی اگر چه کوتاه باشد این ریسمان عمر را بلندتر سازند.آنچه فحص و مطالعه در اطراف این موضوع نشان می‌دهد این است که امکان عمر بسیار دراز همواره مورد قبول بوده و تا کنون کسی عدم امکان و امتناع آن را عنوان نکرده است.ما نخست امکان طول عمر را از نظر علوم و دانشهای عصری مانند علم پزشکی و علم زیست‌شناسی، اطلاعاتی که از احوال سایر مخلوقات داریم با مقایسه انسان به آنها مورد توجه قرار می‌دهیم و سپس مراجعه با ادیان آسمانی نموده در امکان و صحت آن از نظر عقاید دینی سخن می گوئیم.

طول عمر از نظر دانش و علم

از نظر علوم امروز باید دانست که علم، امکان طول عمر را کاملا تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه کوشش نتیجه بخش و موفقیت آمیز و لازم می‌شناسد و برای طول عمر حد و اندازه‌ای معلوم نمی کند. علم می گوید: تقلیل متوفیات و مرگ و میرها، و طولانی ساختن عمر وارد یک مرحله عملی شده و با کمال سرعت رو به تکامل است و حد متوسط عمر در کمی بیشتر از یک قرن از ۴۷ به ۷۴ رسیده است.دکتر «الکسیس کارل» در سال ۱۹۱۲ میلادی موفق به نگهداری یک مرغ به مدت سی سال شد، در حالی که زندگی مرغ حداکثر از ده سال تجاوز نمی کند [۱].

هشتصد سال زندگی

دکتر «هنری الحیس» می گوید: باید حد متوسط مرگ و میر عمومی را به حد مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسأله عملی شود، انسان آینده، هشتصد سال زندگی خواهد کرد. [۲] .دانشمندان هنوز در تعیین مرز قاطع (زندگی طبیعی) بشر به موفقیتی نرسیده‌اند.مرز منطقی زندگی به نظر دانشمندان تفاوت دارد «پاولوف» مرز طبیعی حیات انسان را ۱۰۰ سال می‌دانست «مچنیکوف» آن را ۱۵۰ تا ۱۶۰ قلمداد می کرد.پزشک و دانشمند مشهور آلمانی «گوفلاند» معتقد بود که مدت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است.فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم «فلوگر» آن را تا ۶۰۰ سال و «روجربیکن» انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال قلمداد کرده‌اند. [۳] ولی هیچیک دلیلی بر اینکه این مرزها مرز قاطع باشد که از آن تجاوز نکند ارائه نمی‌دهند.به عقیده دانشمند روسی «ایلیا مچنیکوف» پزشک و فیزیولوژیست، یاخته‌ها و سلولهای بدن انسان که تقریباً شصت تریلیون می‌باشد از سموم ترشح شده توسط باکتریهای سمی روده مخصوصاً روده بزرگ (که در آن روزانه ۱۳۰ تریلیون میکروب زاده می‌شود) مسموم می‌شوند.بسیاری از این باکتریهای زیانی به بدن نمی‌رسانند ولی بعض از آنها سمی هستند.اینها بدن را از داخل توسط سمهائی که تولید می کنند (مانند

گازهـای فنـل و انـدل) مسـموم می‌سازنـد؛ احتمالاً- یاخته‌ها و بافتهـای سازنـده بـدن در اثر ایـن مسـمویت بـه پیری زود رس دچـار می‌شودنـد، وقتی یاخته پیر شـده، به سختی می‌تواند نیازهای حیاتی را رفع نماید و در تکثیر آن اختلال پدید آمده و سپس می‌میرد [۴] .پروفسور «اسـمیس» استاد دانشگاه کلمبیا می گوید: حد و حصر سن، مثل دیوار صوتی است، همانطور که دیوار صوتی امروزه شکسته شده، این دیوار سن نیز روزی خواهد شکست. [۵] .

هفتاد هزار سال عمر

آزمایشـاتی کـه بر روی بعضــی از حیوانـات ریز آبی انجـام شــده علمـا را بـه امکـان تغییر دوران حیـات امیـدوار نمـوده و همچنین دانشـمندان در روی مگسـهای میوه‌ها آزمایشهائی نمودند که در نتیجه عمر آنها نهصد برابر عمر طبیعی گردید [۶] بنابر این اگر این امتحـان بر روی انسـان بـا موفقیت عملی شود و عمر طبیعی انسـان را هشـتاد سـال فرض کنیم، امکـان طولانـی کردن عمر تا هفتاد و دوهزار سـال ثـابت می‌شود.همچنین در روی نسوج بعضـی حیوانـات، مطالعاتی جریان دارد که کاملا بشـر را در این زمینه به آینـده خوش بین نموده و انتظار می‌رود که در آینـده طول عمر و بازگشت نیروی جوانی در دسترس همگان قرار بگیرد.بسـیاری از علما به مسأله اعاده نیروی جوانی بیشتر توجه دارنـد تابه مسأله طول عمر؛ زیرا از مسأله طولانی ساختن و ادامه حیات در شـرایط مخصوصـی به هر مقـدار خود را فارغ می‌داننـد و در حقیقت آن را حل شـده و عملی می‌شـمارند فقط می گوینـد: بایـد فکری برای پیری کرد و سرمی تهیه نمود که از پیری جلوگیری کنـد؛ زیرا عمر هر چه طولانی شود اگر بازحمت پیری توأم شود لـذت بخش نیست.مرگ نه مولود طول عمر و نه نتیجه پیری است؛ بلکه مرگ نتیجه بیمـاری و رعـایت نکردن قواعـد حفظ الصـحه و بهـداشت بـدن و سـلامت مزاج است که اگر انسان بتوانـد بر عواملی که مزاج را تحت تأثیر قرار می‌دهند مسلط شود، می‌تواند مرگ را مهار نماید.این عوامل عبارت است از صـحت مزاج پـدر و مادر، و پـدر و ماور آنها و اطلاع آنان به قواعـد بهداشتی تولید مثل، آداب نکاح، اعتدال مزاج مادر در ایام حمل، رعایت دسـتورات بهداشتی در دوره بارداری و هنگام رضاع و شـیر دادن، حسن تربیت فرزند، مساعدت محیط و هوا، رعـایت اعتـدال در خواب و استراحت، کـار و معاشـرت و انتخـاب جـامه و پـای افزار، مصـاحبت بـا مردمان صـحیح الاخلاق و مستقیم، ایمـان به خـدا و امنیت، صـفای بـاطن و تنزه آن از عقائـد خرافی و باطل، اسـتفاده از غـذاهای سالم و خود داری از صـرف مسـکرات و نوشابه‌هـای الکلی و شـرایط دیگر از این قبیـل که چون بیشتر این عوامل تحت کنترل انسان نیست ناچار مغلوب شـده و تسلیم مرگ می‌شود.آمارهائی که راجع به تعداد متوفیات و تفاوت آنها به حسب شغل و حرفه و محیط و مسکن از طرف شرکتهای بیمه منتشـر می‌شود ثابت می کند که اختلاف اعمار بشر مربوط به یک سلسله عوامل خارجی است که هر چه این عوامل کمتر شود، عمر طولانی‌تر می‌شود. چنانچه مکرر دیـده شـده اشخاصـی متجاوز از صـد و پنجاه، صـد و شـصت، صـد و هفتاد و دویست و بیشتر زنـدگی کرده‌انـد، و در همین عصـر، مـا اشخاصـی را می‌شناسـیم که سن آنها از صـدو پنجاه متجاوز است، و این نیست مگر در اثر آنکه عوامـل کشـنده کمتر به سـراغ آنهـا رفته است.خلاصه سـخن این است که: امکان عادی طول عمر در جهان علم صـد در صـد مـورد قوبـل و غیر قابـل انکـار است.برای اینکه معلوم شود تعجبی که مـا از عمر بسـیار طولانـی می‌نمـائیم، معلول انس و عـادت به عمرهـای کوتـاه است، در سـخن یـک پزشـک انگلیسـی دقت فرمائیـد، این پزشک می گویـد: اگر منطقه کانال پاناما که مشـهور به بیماریهای فراوان است از سایر نقاط جهان جـدا شود و ما در آن‌جا زندگی کنیم و از سـرگذشت مرگ و زندگی در سایر نقاط بی اطلاع باشیم خواهیم گفت: کثرت وفیات در این منطقه و کوتاهی عمر از امور معین به حکم طبیعت است و تغییر آن از دسترس علم خارج است؛ پس معلوم می‌شود که جهل ما به اسباب بعضی از بیماریها مانع از تقلیل وفیات و طولانی شدن عمر است و هر کس در این نظر بـا من مباحثه کنـد (کثرت میزان وفیات و عمرها را در حـدی ثابت بدانـد) از او می‌پرسم:کـدام دوره از دوره‌های عمر ثابت است؟دوره عمر در هنـد یـا در نیوزیلنـد یا آمریکا یا در منطقه قنال؟و کـدام پیشه و شـغل است که دوره عمر در آن ثابت است؟آیا

پیشه و شغل است که دوره عمر در آن ثابت است؟آیا پیشه فلکی و ستاره‌شناسی که وفیات آن ۱۵ تا ۲۰ در صد زیر حد متوسط است؟ یا وکالت دادگستری که وفیات آن ۵ تا ۱۵ در صد فوق متوسط است؟ یا تنظیف شبکات که وفیات آن ۴۰ تا ۶۰ در صد فوق متوسط است؟اینها مثالهائی از تفاوت بسیار در متوسط وفیات به حسب مشاغل و پیشه‌ها است. بعلاوه ما ادله بسیار دیگر نیز داریم که دلالت دارد بر تغییرات مهم در دوران حیات به وسائل صناعی سپس آزمایشهائی را که روی بعضی حیوانات شده و همه ناجح و موفقیت آمیز بوده شرح داده است [۷] .

طول عمر از نظر ادیان

ادیان همه با اتفاق از عمر بسیار طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند.تورات کتابی که با همین وضع تحریف شده مورد اعتماد یهود و نصاری است، در سفر تکوین اصحاح ۵، آیه ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۷ و۲۰ و ۲۷ و ۳۱ و در اصحاح ۹، آیه ۲۹ و اسحاح ۱۱ آیه ۱۰ تا ۱۷ و در موارد دیگر، افرادی را از پیغمبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هر یک را که متجاوز از چهار صد، ششصد، هفتصد، هشتصد و نهصد بوده، به صراحت بیان داشته است. [۸] .علاوه بر این معتقدند که «ایلیا» برای اینکه الم مرگ را نبیند زنده به آسمان مرفوع شد و «آدم کلارک» مفسر می‌گوید: شکی نیست در اینکه ایلیا زنده به آسمان مرفوع شد [۹] .

دین مقدس اسلام

در دین اسلام امکان عمر طولانی یکی از مسایل مورد اتفاق می‌باشد و قرآن مجید در نهایت صراحت از عمر طولانی نوح در سوره عنکبوت آیه ۱۴ خبر می‌دهد:«فلبث فیهم ألف سنهٔ الا خمسین عاماً»که فقط مدت اشتغال نوح پیغمبر - علی نبینا و آله وعلیه‌السلام - به دعوت قوم، پیش از طوفان به صریح این آیه نهصد و پنجاه سال بوده است و اگر سالهای پیش از دعوت و سالهای بعد از دعوت رابه حساب بیاوریم چه مقدار می‌شود، خدا عالم است.و عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادریس و الیاس زنده هستند و عیسی در آخر الزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی(ع) در نماز اقتدا خواهد کرد.از نظر تاریخ نیز عمر طولانی مورد تأیید است و تواریخی که در دست داریم، اشخاص بسیاری را نشان می‌دهند که از عمر طولانی و زندگی بلند برخوردار شده‌اند.یکی از کتابهائی که به خصوص در تاریخ زندگی و شرح احوال معمرین نگاشته شده و یکی از مآخذ و مصادر و کتب مهم تراجم و رجال به شمار می‌رود کتابی است که ابوحاتم سبحستانی (متوفی ۳۵۰) به نام «المعمرون» تألیف کرده است، این کتاب که اخیراً هم با فهرست و اسلوب عالی طبع شده سوابق تاریخی طول عمر را بطور کامل و مبسوط روشن می‌سازد.

نتیجه طول عمر از نظر دانش و علم، ادیان و انبیا

ما از هر نظر که ملاحظه کنیم حتی تواریخ عهد باستان را هم اگر جلو بیاوریم یا علم قدیم و فلسفه یونان را مستند قرار دهیم و یا آنکه به علوم جدید اعتماد نمائیم و یا به اخبار انبیا و پیامبران اتکا و استناد نمائیم، همه امکان طول عمر و وقوع آن را تصدیق و اثبات می‌نمایند و آن را خارق عادت و اعجاز یعنی بیرون از قوانین و نوامیس طبیعی عالم نمی‌شمارند.بله چون افرادی که عمر طولانی کرده‌اند نادرند قدری نامأنوس و جالب توجه است. در صورتی که از نظر علمی باید گفت این عمرهای کوتاه خلاف سنن خلقت و قواعد اصلی عالم طبیعت است و اگر عوارضی که گفته شد مانع نبود باید عمر کوتاه خلاف عادت شده باشد.

مسأله طول عمر حضرت ولی عصر

اما طول عمر حضرت ولی عصر (ارواح العالمین له الفدا)ما می‌گوئیم اصلاً طول عمر ایشان اگر چند هزار سال دیگر و بلکه بیشتر نیز

بر آن افزوده شود نبایـد مورد حرف و محل شـبهه باشد؛ زیرا امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر ثابت و مسـلم است، حال ما چه امکـان طبیعی طول عمر و وقوع آن را ثـابت کنیم (چنـانچه ثـابت است) و چه امکـان آن را ثـابت نـدانیم و عمر طولاـنی را یک امر خـارق العـاده و معجزه بشـماریم، در مورد طول عمر ایشان اگر ایمان به خـدا و قـدرت و توانائی و صـحت نبوتها داریم نبایـد تردید کنیـم.مسأله طـول عمر آن حضــرت مسأله‌ای اسـت کـه صـدها حـدیث بر آن دلاـلت دارد و مشــیت ازلی الهی بر آن تعلـق گرفته است.هرکس خـدا را قادر و توانا می‌شـناسد، بایـد آن را باور کنـد و هر کس العیاذبالله خدا را عاجز می‌شـمارد و عجز را نقص و از صفات سلبیه حق نمی‌داند، هر چه دلش می‌خواهد بگوید؛ اما می گوئیم عجز، نقص است و ناقص، محتاج است و محتاج واجب الو جود نمی‌باشد.حضرت صاحب الامر – عجل الله تعالی فرجه – را در این دوران عمر طولانی مکرر مردمان بزرگ که از صفای باطن و اسـتعداد خاص بهره‌مند بوده‌اند، زیارت و مشـرف به ملاقات و نعمت دیدارش شده‌اند.در این موضوع سخن از امکان طول عمر و عـدم امکـان بی مورد است.آن‌که فرضـاً می گویـد طول عمر محال عقلی است و عقلاً امکان ناپـذیر است، یا می گویـد محال طبیعی است، باید برهان و دلیل بیاورد، مع ذلک ما ثابت کردیم که عمر بسیار طولانی نه محال عقلی و ذاتی است و نه استحاله وقوعی در آن فرض می‌شود و نه محـال طبیعی است.بـاز می گوئیم: ما آنچه را از گفتار دانشـمندان و نتایـج کاوشـها آزمایشـهای علمی علمای غرب نقـل کردیم برای روشن شـدن ذهن بعضـی از صاحبان افکار سـطحی و افراد کم اطلاع بود که بداننـد امکان طبیعی طول عمر مورد قبول علمـای بزرگ شـرق و غرب است. امـا در مورد طول عمر امـام زمـان – أرواحنافـداه – فرضـاً هم امکان طبیعی طول عمر ثابت نباشد، تکیه مابر قدرت خدا و اراده باری تعالی است و از اینکه طول عمر آن حضـرت خارق العاده هم باشد، هیچ شـبهه‌ای را وارد نمی‌دانیم. زیرا مسـأله خـارق عـادات و ایمـان به معجزه اسـاس قبول و پـذیرش نبوات است.تمـام معجزات پیغمبران امور خارق العـاده است و این کسانی که در این موضوع اسـتبعاد می کننـد، در مورد معجزات حرفی ندارنـد و تسـلیم هسـتند. چه فرق می کنـد، احیاء موتی و زنده کردن مردگان و تبدیل عصا به ثعبان و پیدایش ناقه از سـنگ و نزول مائده از آسـمان و سـخن گفتن کودک در گهواره و ولادت عیسـی بدون پدر، با عمر بسیار طولانی.اگر امکان طبیعی طول عمر را علم تصدیق می کند، امکان طبیعی بعضی از معجزات را تصـدیق نکرده است پس چگونه در آن شـک می کنیم بـا اینکه این را قبول داریم.مـا می گوئیم به هر حساب که باشـد، ایراد یا اسـتبعاد طول عمر حضـرت قائم آل محمد – عجل الله تعالی فرجه – بی وجه است و اگر تمام عقلا جمع شوند و بخواهند در ایراد به طول عمر آن حضـرت یک سـخن خردپسـند و دلیل معقولی درست کنند ممکن نیست.خدا فرموده و پیغمبر خبر داده و ائمه طاهرین هم مژده داده‌اند که حضـرت حجت عصـر، فرزند حضرت امام حسن عسکری(ع) همان کسی که در بامداد روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ عالم را به نور جمال خودمنور ساخت، بعد از غیبت بسیار طولانی که مردم در امر آن حضرت در حیرت و سرگردانی واقع می‌شوند و اکثراً به شک و تردید می‌افتند و عالم پر از ظلم و جور و فشار و ناراحتی و فساد و انواع نگرانیها می‌شود ظهور می‌فرماید و جهان را پر از عـدل و داد می کنـد و در دنیا یک حکومت جهانی تشـکیل می‌دهد و قانون واحد اسلام را همه جا اجرا می‌سازد و در سراسـر عالم عدالت اجتماعی را بر اساس تعالیم قرآن بر قرار می‌نماید.با اینکه این بشارتها قطعی و مسـلم و متواتر است، خداوند هم بر هر کار قادر و توانا است دیگر جای شـبهه و شک و تردید نیست.این اسـتبعادات طول عمر و سر غیبت همه از وساوس شیطان است و چنانچه توضیـح داده شـد به هر نحو که در طول عمر نظر بدهیم، اسـتبعاد طول عمر حضـرت صاحب الزمان –عجل الله تعالی فرجه – صـحیح نیست. علم و عقـل و نقـل و قرآن و احـادیث و کتابهـای دینی ملل دیگر و آراء و نظر دانشـمندان قـدیم و جدیـد و تجربه، همه پشتیبان و مؤید عقیده ما می‌باشند.

تفاوت و اختلاف مخلوقات در عمر و طول عمر بشر و قیاس آن با استثنائات

اشاره

بایـد در نظر داشت که در عالم آفرینش از مجردات و مادیات و انواع و افراد آنها مخلوقات اسـتثنائی [۱۰] و منفردی وجود دارد که بین آنها و موجوداتی که با آنها در یک رشـته و تحت یک نوع یا فصل می‌باشند فاصله و تفاوت بسیار دیده می‌شود و چون انس ما به همـان موجودات یـک نواخت و کم تفـاوت است، در نظر مـا وجود این افراد آن همه در صورتی که فاصـله و تفاوت زیاد باشـد استثناء و شـگفت انگیز است.خواه این فاصـله و اسـتثناء از جهت طول یـا عرض یـا حجم یـا وزن یـا خصوصـیات معنوی و روحی و جهات دیگر باشد و خواه بر ماعلت آن اسـتثناء معلوم باشد و آن را تحت یک قانون از قوانین ظاهری یا خفی بشناسیم یا علت آن بر مـا معلوم نباشـد.از کرات آسـمان و سـتارگان گرفته تـا ذره و اتم، هر کجـا برویم یـک عـده اسـتثنائاتی می‌بینیم، یعنی موجوداتی را می‌بینیم که نسبت به موجودات دیگر از نوع خود واجد یک خصوصیت استثنائی و جالب می‌باشند.

استثناء در کرات

شما از سـتاره شـناسان و علمای هیئت که از احوال میلونها سـتاره و منظومه و کهکشان و فواصل ستارگان و ابعاد و حجم و قطر آنها کم و بیش اطلاعـاتی دارنـد بپرسـید که آیـا در این قـوانینی که شـما کرات کواکب و نجوم را تحت سـیطره آنهـا شـناخته‌اید موارد اسـتثنائی که شـما هنـوز به کشف قـانونی که بر آن حـاکم است نایـل نشـده باشـید هست یـا نه؟بپرسـید تـا جواب مثبت بشـنوید.آیا تفاوتهائی که در بین این مخلوقات عظیم از جهت حجم و قطر و وزن وجود دارد حد و حصـر معینی دارد یا نه؟یقیناً جواب می‌دهند حدّ و حصـر معین ندارد.مثلا تفاوتی که زمین ما با «سدیم المرأة المسلسله» دارد از جهت حجم و قطر و وزن با حساب هیچ محاسبی (غیر از خـدا) معلوم نمی‌شود و برای اینکه تا حدی این تفاوت نزدیک به ذهن شود، تفاوت بین آفتاب و «سدیم المرأة المسلسـله» را بایـد در نظر بگیریم. حجم آفتاب را علمای هیئت نسـبت به جحم سدیم المرأه المسلسـله مثل حجم یک ذره از ذرات نور آفتاب که از پنجره‌ای به داخـل اطاقی بتابـد نسبت به خود آفتاب بر آورد کرده‌انـد یعنی آن ذره چقـدر از آفتاب کوچکتر است، آفتاب با آن عظمت به همین قـدر از سـدیم مرأه مسلسـله کوچک‌تر است آن وقت زمین مـا که حجمش یک میلیون و سـیصد هزار بار کمتر از آفتاب است در جنب سـدیم چه خواهـد بود؟! و اگر کسـی بخواهـد حجم سدیم مرأه مسلسله را نسـبت به آفتاب بفهمند، طول قطر آفتـاب را که یـک میلیون و ۳۹۰ هزار کیلومتر است بـا طول قطر سـدیم که سـی هزار میلیون سـال نوری است مقایسه نمایـد.آیا این تفاوت بین زمین ما و سـدیم‌ها و از آنها بزرگ‌تر از کجا است؟ و آیا کسـی می‌توانـد بگویـد ما نمی‌توانیم این همه تفاوت و فاصـله اختلاـف را در این دو کره قبـول کنیم؟آیـا چطـور است که بطـور اسـتثناء در میـان سـیارات منظـومه شمسـی فقـط این زمین مـا و به احتمالی هم مریخ صالح از برای پیدایش حیات شد در حالی که سـیارات دیگر این صـلاحیت را ندارند و شاید میلیونها ستاره دیگر نیز فاقد این صلاحیت باشند؟

استثناء و اختلاف عمر در دنیای اتم

می‌گوینـد: در جهـان اتم مزونهـائی یافت می‌شونـد که یکی پس از رهائی از مرکز، عمرش یکهزارم ثانیه است و مزونی دیگر به نام هـایرون عمرش ده میلیـاردیم ثـانیه است، یعنی بی نهـایت کمتر و کوتـاه‌تر آیا این اختلاف را اگر دیروز که بشـر به دنیای اتم آشـنا نبود، به شما می‌گفتند باور می‌کردید؟یقیناً نه. ولی امروز آن را یک موضوع مسلم فیزیکی می‌دانند [۱۱] .

استثناء و اختلاف عالم گیاه و درخت

در عـالم نبات نیز اسـتثنائات عجیب و حیرت افزا، فراوان به چشم می‌خورد در میان اشـجار و درختان، درختانی دیـده شده‌انـد که از جهت طول یا تنومنـدی و قطر یا طول عمر فوق العاده اسـباب تعجب گردیده‌اند مثل درخت «ارز» لبنان و مثل درختی که در آمریکا

است و به عربی آن را «ام الاجمه» می‌نامند، یعنی مادر جنگل. این درخت از بزرگ‌ترین درختهای آمریکا است، درازی آن را بیشتر از سیصد قدم ذکر کرده‌اند سیاحان تازه حالا چهار صد قدم می گویند، قطر ساق آن نزدیک به زمین سیصد قدم و کلفتی پوستش به عرض هجده انگشت.در اسکاتلند «اکس» انگلیس در عمر بعضی از درختها تأمل کرده دیده‌اند از سیصد سال بیشتر است. یکی از فضلاء محیط یکی از اشجار را اندازه گرفته تقریباً نود قدم بوده و از روی نسبت آن به کوچک‌ترین درخت از همین نوع عمر آن را پنج هزار سال معین کرد.در کالیفرنیا درخت کاجی است به طول سیصد قدم که محیط آن سی قدم می‌باشد و عمرش شش هزار سال است.غریب‌تر از اینها درخت «عندمی» است در شهر اورتاوا در جزیره تنزیف که یکی از جزایر کاناری می‌باشد در دریای اتلانتیک (جزایر مزبور به جزایر خالدات معروف است» این درخت محیطش بقدری است که اگر ده نفر دور آن دستهای خود را باز کنند بطوری که سر انگشتهای آنها به هم برسد باز به تمام ساق آن احاطه نمی‌نماید و صاحب «الایات البینات» می گوید: حال که سال ۱۸۸۲ م است «سال تألیف کتاب الآیات البینات» ۴۸۲ سال می‌باشد که جزیره مزبور کشف شده و آن درخت عظیم در وقت کشف جزیره به همین حال بوده که حالا هست و هیچ تفاوت و تغییری در منظر آن پیدا نشده و چون نمو اینگونه درختها کند است که از نمو درختهای کوچک از همین نوع معلوم می‌شود، در این صورت خدا می‌داند چقدر قرون و دهور گذشته تا درخت عندم اورتاوا، به این عظمت و قطر رسیده و یکی از علمای نبات شناص در تعیین عمر این درخت اظهار عجز کرده می گوید: فهم و ادراک بشر از کشف این سر قاصر است و نمی‌تواند به تقریب هم بفهمد که عندم اورتاوا چند سال عمر کرده همین قدر معلوم و مسلم است که این نهال کهنسال قرنها پیش از خلقت انسان در کار نشو و نما بوده و زندگانی درازی نموده تا به این قد قواره رسیده است.

تفاوت و اختلاف در عالم حیوانات

اما اختلاف حیوانات به حسب نوع در مقدار متوسط عمر که امروز در آمارهائی که از طرف علمای حیوان شناس داده شده معلوم و فاصله میان کمتر و بیشتر آنها عجیب است، همچنین اختلاف و استثناء در افراد هر نوع از انواع حیوان بسیار دیده و گهگاهی هم در جرایـد، این استثنائات و تفصیلات آن را می‌خواهیم که اگر کسی آنها را جمع آوری کند یک کتاب جالب می‌شود.دانشمندان شوروی در جمهوری «یاکوتسک» نزدیک قطب شمال یک نوع حلزون پیدا کرده‌اند که از چندین هزار سال پیش یعنی قبل از تاریخ تا حال زنده مانده است. [۱۲] .ماهیهائی در اقیانوس اطلس شمال اروپا دیده شده که عمر سه میلیون ساله برایشان بر آورد کرده‌اند و مارهائی که عمر چند هزار ساله دارند وجود دارند در حالی که جنبندگانی نیز هستند که عمر شان چند لحظه بیش نیست. [۱۳] آیا می‌دانید که عمر ملکه زنبوران عسل چهار صد برابر عمر زنبوران دیگر است؟

استثناء در جهان انسانها

بطور کلی ناموس تفاوت و تمیز در بین انسانها نیز حاکم است و اگر این ناموس نبود شناختن افراد، غیر ممکن می‌شد و قرآن مجید این ناموس را از آیات خدا شمرده می‌فرماید:«ومن آیاته... اختلاف السنتکم و ألوانکم» [۱۴] .«و از نشانه‌های خداوند... اختلاف زبانها و رنگهای شما است».آن قدر افراد با هم امتیاز دارند که باید گفت بیشتر امتیازات و تفاوتها از نظر اکثر افرد مخفی است، آنچه برای عموم میسر است شناختن افراد به وسیله شکل و قیافه ظاهر است ولی امروز با وسایلی که در دسترس بشر قرار گرفته افراد را از اختلاف خون و استخوان و حتی از خطوط سرانگشتان می‌شناسند.تفاوت در عمر، قد، رنگ، ساختمان بدن، قوای مغزی و فکری و احساسات، در همه این تفاوتها اشخاص نادر الوجود و استثنائی دیده شده‌اند، مثلا یک نفر قلبش در طرف راست واقع شده، یک نفر در طول قامت یا وزن میان چندین میلیارد افراد بشر منحصر به فرد می‌شود. در خصائص و صفات روحی یکی در

سخاوت حاتم می‌شود و دیگری در بخل ضرب‌المثل می گردد. در قوای فکری یک نفر نابغه می‌شود و یکی چنان با هوش است که حل مشکل‌ترین مسائل فلسفی و ریاضی برای او مثل یک عمل عادی دیگران آسان، دیگری چنان ساده و کم هوش می گردد که فهم یک مسأله بدیهی یا ضرب یک عدد کوچک در همان عدد کوچک برایش دشوار است مردان بزرگ و نوابغ و قهرمانان تاریخ همه شخصیتهائی هستند که ما فوق افراد عادی قرار دارند.پس این ناموس استثناء در عالم آفرینش هست، منتهی گاهی سبب آن بر ما معلوم است و گاهی مجهول و گاهی بطور ابداع واقع می‌شود. حال به آن کسی که طول عمر امام زمان(ع) را بعید می‌شمارد و یا انکار می کند می گوئیم:چرا انکار می کنید، مگر این همه استثنائات را در مخلوقات عالم نمی‌نگرید؟ چرا این طول عمر هم یکی از آنها نباشد؟و چگونه شد که در عالم کرات و عالم اتم و نبات و حیوان طول عمر استثنائی و اقسام استثنائات دیگر را قبول داریم اما در مورد امام زمان که ولی خدا است، باور نمی‌کنید؟فرضاً شخصی مؤمن و خدا شناس نباشد، از روی همین وضعی که در عالم طبیعت می‌بیند، حق ندارد طول عمر یک فرد را انکار کند و آن را نپذیرد. و اگر خدا شناس هستید و به قدرت او و به اخبار پیامبران ایمان دارید، چطور می‌توانید طول عمر آن حضرت را نپذیرید؟آیا از قدرت خدا به دور می‌دانید؟آیا خدا نمی‌تواند یک نفر بشر را چند هزار سال عمر بدهد؟شما که استثنائات عجیب‌تر از طول عمر را باور دارید مثل تبدیل عصا به اژرها و تولد عیسی بدون پدر چرا طول عمر پسر پیغمبر را قبول نمی کنید؟مگر خدای کرات و اتم و درخت و گیاه و حیوانات و خدائی که عیسی(ع) را بدون پدر آفرید، غیر از خدای حضرت صاحب الزمان(ع) است؟یقیناً، نه شما و نه هیچ کس دیگر نمی‌توانید به این پرسش پاسخ منفی بدهید و قدرت خدا را در این مورد محدود سازید.

عمر جاودان

امکان عمر جاودان مسأله‌ای است که همواره مورد توجه بشر بوده و فحص و کنجکاوی و مطالعه در اطراف آن جریان داشته است.در امکان عقلی عمر جاودان هیچ شبهه و شکی نیست و گمان نمی‌رود کسی تا حال امکان عقلی آن را رد کرده باشد، یعنی عمر جاوید را برای بشر محال دانسته باشد.آنچه همواره تحت مطالعه قرار داشته مسأله امکان علمی آن می‌باشد، یعنی علمای زیست شناس و دانشمندان دیگر با آزمایشها و تحقیقات خود خواسته‌اند بدانند: آیا می‌توان عمر جاودان در دسترس بشر قرار داد و کاری کرد که هر کس بخواهد بتواند از آن برخوردار شود؟آیا آزمایشهائی که تا کنون برای رسیدن به این مقصود شده، موفقیت آمیز بود است؟آیا تلاشهای علماء در این موضوع آنان را بیشتر امیدوار ساخته یا نا امید؟این مسأله‌ای است که هر کس فوق العاده به آن علاقه‌مند است و شاید مسأله‌ای مهمتر از آن در مسائل زندگی مادی او نباشد و مسائل دیگر مانند مبارزه با بیماریها و کوشش و کشف داروی سرطان و مرضهای خطرناک دیگر همه از جزئیات و فروع این مسأله است، یعنی عشق و علاقه به ادامه حیات و عمر زندگی بیشتر.تا آنجا که اطلاع داریم در پاسخ این پرسش‌ها آنچه علمای زیست شناس و پزشکان و دانشمندان متخصص در رشته‌های مربوط به این موضوع اظهار نظر مثبت کرده‌اند و آزمایش‌های آنها امید وار کننده از آب در آمده است.اما در خصوص این موضوع یعنی امکان عمر جاودان ظاهراً مطالعات و آزمایشها از دو راه انجام می‌شود. یکی از راه مطالعه حالات و وضع زندگی جسمی و روحی و اخلاقی و دینی و اقتصادی معمرین.و دیگر از راه تحقیق و تجربه‌های علمی و فنی که روی بعضی از حیوانات و جنین و نسوج و سلول و قطعات اعضاء انجام می‌دهند.این مطالعات در هر دو مرحله نتیجه بخش شده و ثابت می کند که: بریده شدن طناب عمر لازم طبیعت یک موجود زنده نیست بلکه به علت عوارض و حوادث پیش می‌آید.آنچه از طریق مطالعه احوال معمرین به دست می‌آید این است که برای عمر، حد مخصوصی نیست و نمی‌توان بهره بشر را از نعمت حیات و زندگی به این حدی که به آن مأنوس شده‌ایم محدود کرد و اگر شرایط و احوال اتفاقاً برای کسی مساعد باشد بشر خیلی بیشتر از اینها هم می‌تواند زیست کند.

نیروی جوانی پایدار

یکی از خصوصیات واوصاف امام عصر(ع) این است که به مرور روزگار، پیری و کهولت در آن حضرت ظاهر نشود و باید هم اینطور باشد. زیرا با سن زیاد اگر کهولت آور و پیری زا باشد آن حضرت نخواهد توانست مصدر آن همه اصلاحات و اقدامات و فعالیتهای بزرگ اصلاحی گردد.پس همانطور که آن حضرت به امر خدا از یک عمر بسیار بلند برخوردار است، جوانی و نشاط و نیرومندی آن رهبر جهانیان نیز به امر خدا محفوظ خواهد ماند و چنانچه در مقالات طول عمر بطور تفصیل و مکرر توضیح دادیم اینگونه موضوعات:اولا، در دائره قدرت خداوند متعال قرار دارد، و آن کسی که ایمان وقبول دارد که خدا ماده را آفریده و مواد را به هم پیوست و از آن این عالم با این نظام استوار را پدیدار ساخت؛ و خدائی که این همه عالم‌ها را آفریده، البته قادر است که جوانی و نشاط و نیروی یک فرد را نگاه دارد.ثانیاً؛ امکان حفظ جوانی نیز مسأله‌ای است که در ضمن مسأله امکان طولانی ساختن عمر حل شده و آزمایش‌های علمی آن را تأیید نموده و دانشمندانی که در این موضوع تحقیقات و مطالعه دارند رفع پیری و خستگی و حفظ و اعاده جوانی و دیر رس کردن پیری را ممکن بلکه عملی شناخته‌اند.مبارزه با پیری و بازگشت دادن نشاط و تجدید قوای جوانی اگر چه از عهد باستان مورد توجه بوده و یقیناً بسیاری از معمرینی که ادیان و تاریخ معرفی کرده‌اند از نیروی جوانی بر خوردار بوده‌اند، ولی بحث در آن از نظر علوم جدید از قرن هیجده و نوزده شروع و مطالعات و بررسی‌های دانشمندان در اطراف آن همچنان ادامه دارد.«براون اسکار» نخستین دانشمندی است که هنگام پیری در صدد تجدید جوانی خود با عصاره غدد تناسلی بر آمد (۱۸۶۹ م) و دانشمندان دیگر من جمله «ورونوف» با استفاده از تجارب او آزمایشهائی کردند (۱۹۱۸) و از لحاظ تجربی آزمایشهای «استیناش» حائز اهمیت شد که توانست در روی بعضی جانوران به توسط اعمال جراحی بر روی مجاری تناسلی، آثار جوانی را باز گرداند ولی اینگونه آزمایشها و روشهای جراحی و هورمونی ناقص و اغلب بی خطر نبود [۱۵] .بعضی از دانشمندان در اندیشه پیدا کردن وسیله مبارزه با علت اصلی پیری که (به عقیده آنها) ضعف و فرسودگی سلولی است افتادند.یک از مشاهیر پزشکان که راجع به امکان طولانی کردن عمر وتازه کردن جوانی در روی حیوانات آزمایشهائی کرده دکتر «فورد نوف» است. این شخص می‌گوید: ششصد آزمایش موفقیت آمیز انجام داده‌ام و اطمینان می‌دهد که در آینده نزدیک تجدید قوای پیران و برطرف ساختن گرد و غبار سالخوردگی و خمیدگی قامت آنها عملی خواهد شد چنانچه دیررس ساختن پیری و طولانی کردن عمر با حفظ صحت قلب و دماغ تا آخر عمر بلکه تغییر صفات و شخصیات و عادات ممکن خواهد شد [۱۶] .در عصر حاضر نیز کوشش و تلاش پزشکان در اطراف اکتشاف سبب پیری ادامه دارد.روزنامه «الثوره» به مناسبت اطلاعیه سازمان ملل راجع به آمار جمعیت دنیا و اختلافات آنها در سن، مقاله‌ای باستناد اقوال پزشکان مشهور منتشر کرد که قسمت عمده آن راجع به اسباب پیری و تلاشهائی است که دردانشگاههای بزرگ برای کشف علت اصلی آن دنبال می‌شود.در این مقاله بطور قطع اظهار نظر شده که پیری ارتباط به سن زیاد ندارد. از نظر روانشناسان پیری احساس به از کار افتادن و بی اهمیت شدن است با صرف نظر از سن زیاد. و از نظر دانش پزشکی پیری عبارت است از اصابت انسجه حیاتی جسم به قصور از اداء وظیفه در حدود نشاط متعارف و معتاد و به معنی دیگر پیری مفقود شدن قدرت تجدید سلولهای حیاتی است. و به هر حال این احساس یا این پدیده جسمی تحت تأثیر پیش رفتن سن نیست. گاهی عارض اشخاص چهل ساله می‌شود و گاهی در شخص صد ساله هم اثری از آن دیده نمی‌شود و گاهی پیری به واسطه بعضی امراض عارض یک قسمت بدن می‌شود در حالی که سایر اعضاء جوانی و نشاط خود را دارا هستند.در این مقاله اظهار نظر شده که پیری بر حسب طب جدید معلول سه عامل است:نخست، بیماری‌های مزمنه مانند بیماری‌های معدی، بیماری‌های سوء تغذیه و بیماری‌های دیگر.دوم، حالات روانی و انفعالات نفسانی که عامل پیری و مؤثر در فقدان نشاط و استهلاک سلولهای حیاتی است.عامل سوم: عوامل خارجی است مانند محیط زندگی و آب و هوا و سردی و گرمی و رطوبت [۱۷] .«بوکومولتس» که

در تاریخ مبارزه با پیری زیاد به اسم او بر می‌خوریم معتقد بود که باید به وسیله سرم مخصوص به انساج نرمش اولیه را باز گرداند.

اخبار درباره جوانی امام زمان

صدوق در «کمال الدین» و علی بن محمد خزاز رازی در «کفایهٔ الاثر» از حضرت امام حسن مجتبی(ع) در ضمن حدیثی روایت کرده‌اند که فرمود: فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین(ع) را خدا عمرش را در غیبتش طولانی نماید، سپس به قدرت خود او را آشکار سازد، در صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد:«وذلک لیعلم أن الله علی کل شیء قدیر» [۱۸] .و نیز صدوق از حضرت رضا(ع) در ضمن حدیثی چنین روایت کرده است:«القائم هو الذی اذا خرج کان فی سن الشیوخ و منظر الشبان قوی فی بدنه» [۱۹] .«قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد».و از ابی الصلت هروی منقول است که گفتم به حضرت رضا(ع) علامت قائم چیست وقتی ظاهر شود؟فرمود: علامتش این است که در سن پیران و منظر و قیافه جوانان است. بطوری که کسی که او را ببیند چهل ساله یا کمتر گمان می‌کند. و از علامات او این است که به گذشت شب و روز پیر نمی‌شود تا آنکه از این دنیا رحلت کند. [۲۰] .

سخنی با برادران اهل سنت درباره مهدویت حضرت مهدی

چنانچه می‌دانیم جمعی از مشاهیر علماء اهل سنت به وصایت و ولایت ائمه اثنی عشر(ع) ایمان دارند و به مهدویت حضرت ولی عصر(ع) قائل و معترفند و بعضی از ایشان مدعی زیارت و دیدار آن حضرت شده و معجزات او رانقل کرده‌اند.و بسیاری از آنها هم در تعیین مهدی موعود با شیعه موافقت ندارند اما در آن تعصب و لجاج نمی‌ورزند و آن را یک ماده اختلاف جوهری بین شیعه و سنی نمی‌دانند بلکه یک اختلاف صغروی و مصداقی می‌شمارند و به این اختلاف هرگز به نظر اهمیت نگاه نمی‌کنند. چون هر دو فرقه اصل ظهور مهدی را در آخر الزمان مسلم و حتمی می‌دانند.و می‌گویند در هنگام ظهور با آن علائم و نشانیهای آشکار مانند ندای آسمانی به همه معرفی می‌شود و آنگاه این خلاف موضوعی هم مرتفع خواهد شد. پس این عقیده با آنچه بین فریقین در موضوع مهدی مسلم و مقطوع است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد، هیچگونه مغایرت و منافاتی ندارد و اکنون اهل سنت با شیعه چه معارضه‌ای در این مورد داشته باشد؟و چرا آن را ماده اختلاف و بحث و جدال قرار دهند؟و چرا در مقام رد شیعه بر آیند با اینکه در این موضوع بر خلاف اجماع و اتفاق مسلمین سخن نگفته‌اند.یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت به نام استاد محمد زکی ابراهیم رائد «عشیره محمدیه» در مقاله‌ای که به مناسبت نیمه شعبان و مهدی منتظر در مجله «المسلم» و مجله «العشیرهٔ المحمدیهٔ» طبع مصر، در شماره اول سال هجدهم، شعبان ۱۳۷۸ نگاشته در فصلی تحت عنوان «موعود آخرالزمان مختلف المذاهب و الادیان» می‌گوید: مهدی موعود در نزد برادران شیعی ما شرحی دارد که ما در وقت دیگر بیان می‌کنیم ولی آنچه برادران شیعه ما بر آن رفته‌اند با جمهور اهل سنت در اصول و مبادی اساسی به هم می‌رسند و خلاصه آن اصول این است که بطور حتم مهدی اهل بیت که آمال مسلمانان را تحقق می‌دهد و احوال بشر به او مستقیم می‌گردد ظاهر خواهد شد.چنانچه ملاحظه می‌شود این دانشمند عقیده شیعه را در مهدویت با اصول و مبانی اساسی آن که بین سنی و شیعه مورد اتفاق است موافق شمرده و در نهایت ادب بدون اینکه عواطف شیعه را تهییج نماید و قلم را به دشنام و سخنان ناسزا آلوده کند اظهار نظر نموده است.اما متأسفانه عده‌ای هم هستند که همواره مانع از اتحاد مسلمانان و وقع سوء تفاهمات فی ما بین بوده و می‌خواهند به آتش اختلاف دامن زده و این دو فرقه بزرگ اسلامی را که می‌توانند در کنار هم با همکاریهای صمیمانه زندگی کرده و در برابر دشمنان اسلام همگام و هم صدا باشند از هم جدا نمایند.این افراد مغرض که شاید در عصر ما مزدوران استعمار و صهیونیسم بین المللی باشند، از آن همه قدر مشترکها و پیوندهای ناگستنی و مواد مورد اتفاق شیعه و سنی که آنها را به هم مربوط و متصل ساخته و صاحب منافع مشترک قرار داده چشم

پوشی نموده و یک سلسله مسائلی را که مانع از هم فکری مسلمین و اتحاد و اتفاق آنها مخصوصاً در این زمان نیست پیش کشیده و کاهی را کوهی نشان می‌دهند و عمداً آنچه را می گویند و می‌نویسند (برای این است که کاملاً به ایجاد تفرقه‌ای که خدا در قرآن از آن نهی کرده نایل شوند) قلم را به فحش و دشنام و نسبت‌های ناسزا و افترا و بهتان به شیعه آلوده می‌سازند تا بلکه شیعه را تحریک و عصبانی کنند، آنها نیز معارضه به مثل نمایند و در این میان بیگانگان و استعمارگران که همه از مقاصد شوم و خوابهای خطرناک آنها برای اسلام و مسلمین بیش و کم با خبریم به مقاصد خود برسند و شوکت و آبروی هر دو فرقه را در معرض زوال قرار دهند و با جنگ داخلی میان مسلمانان و سوء تفاهم، کفار را بر آنها مسلط سازند.ما در اینجا در مقام توضیح زیانهای این قلمهای مسموم و سیاستهائی که مخصوصاً در عصر ما به عناوین متعدد از راه مذهب و ملیت و وطن و نژاد و زبان عامل تفرقه مسلمانان شده نیستیم.شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگرباری یکی از موضوعاتی که بیهوده و فقط برای زیاد کردن فاصله بین سنی و شیعه در گذشته و حال از طرف بعضی از کسانی که خود را به نام اهل سنت معرفی کرده‌اند مانند «ابن حجر» و «محب الدین خطیب» دستاویز حمله به شیعه و استهزاء و فحش و دشنام نسبت آنها به جهل و نادانی شده، مسأله طول عمر حضرت ولی عصر – أرواحنافداه – است. این افراد برای تجریح عواطف شیعه و منحرف ساختن افکار، شیعیان را در این ایمان و عقیده به باد دشنام گرفته و مثل اینکه یک سخن نا معقول و بی سابقه‌ای را پذیرفته باشند به آنها اعتراض می کنند.ما به این اقایان می گوئیم! شما که مسلمانان و مؤمن به قدرت خدای تعالی هستید، چرا این عتراض را به ما می‌نمائید؟شما چرا کسانی که خدا را قادر و توانا می‌دانند بر اینکه عمر یکی از بندگان خاص خود را هر چه مصلحت اقتضا کند طولانی نماید، مسخره می‌نمائید؟مگر شما خدا را قادر مطلق نمی‌دانید؟مگر قرآن نخوانده‌اید که در شرح احوال نوح می‌فرماید:«فلبث فیهم ألف سنۀ الاخمسین عاماً». [۲۱] .مگر به صریح این آیه درنگ نوح در میان قومش نهصد و پنجاه سال نبوده است؟به چه جهت شما شیعه را در مسأله ایمان به طول عمر این همه سرزنش می‌نمائید و به جهل نسبت می‌دهید؟این اعتراض و دشنام‌های شما به شیعه لوازمی دارد که شما بر حسب عقاید خودتان نمی‌توانید آن لوازم را بپذیرید؟مگر در قرآن نخوانده‌اید که خدا ابلیس را تا وقت معلوم مهلت داده است؟مگر در «صحیح» مسلم خودتان در قسم دوم از جزء دوم در باب ابن صیاد، در «سنن» ترمذی در جزء دوم، در «سنن» ابی داوود در باب خبر ابن صائد از کتاب «ملاحم» آن روایات متعدد را راجع به ابن صیاد و ابن صائد ندیده‌اید که پیغمبر احتمال داد، او همان دجال باشد که در آخر الزمان ظاهر می‌شود؟مگر حدیث «تمیم داری» را که مسلم در باب خروج دجال و ابن ماجه در جزء دوم در ابواب «فتن» و ابو داوود در جزء دوم «سنن» روایت کرده‌اند نخوانده‌اید که صریح است بر اینکه دجال در زمان پیغمبر زنده بوده و در اخر الزمان ظاهر می‌شود چگونه شد درباره دشمنان خدا این عمر طولانی را باور کردید و روایت کنندگان این احادیث را که همه از بزرگان و رجال خود شما هستند به جهل نسبت ندادید. اما موضوع ولی خدا و فرزند پیغمبر این سروصداها را راه انداخته‌اید و باور نمی‌دارید؟چگونه شد که عمر بسیار طولانی را برای خضر و ادریس و عیسی جایز می‌شمارید اما برای حضرت مهدی موعود با این همه شواهد و ادله و معجزات و کراماتی که در عصر غیبت صغری و کبری از او ظاهر شده و با اینکه افرادی که در راستی و صدق گفتار شان شکی نیست او را مکرر ملاقات کرده‌اند جایز نمی‌شمارید؟چرا خودتان و همه مسلمین را در ایمان به بقاء عیسی(ع) مسخره نمی‌نمائید؟اگر بنا به استهزا باشد، شما در اصول دین بعضی عقائد دارید که با عقل مستقیم و نزاهت اسلام که دین توحید است به هیچ وجه سازگار نیست. شما نسبت به کسانی که آنها را به اصطلاح از اقطاب و اولیاء می‌شناسید، کارهائی نسبت می‌دهید که هر کس از گفتارتان بخنده می‌افتد.ولی چنانچه گفته شد معارضه به مثل صحیح نیست و ماراضی نیستیم سخنی بگوئیم یا کلامی بنویسیم که شما را در انظار بیگانگان خفیف و سبک سازد. ما می گوئیم که وضع روزگار و فشارهائی که از طرف استعمار گران بر مسلمانها وارد شده و می‌شود به ما فرصت و اجازه نمی‌دهد که در اینگونه خلافات، زبان به عیب جوئی یگدیگر باز کنیم. در حالی که دشمنان اسلام با اساس اسلام و قرآن و احکام قرآن، دشمنی می کنند. در حالی که احکام اسلام و اصول و شعائر مسلم

بین سنی و شیعه در کشورهای اسلامی دستخوش سخت‌ترین تعرضات و آسیب شده و مسیحی‌ها و یهودیها و کفار دیگر برای از رسمیت انداختن احکام اسلام هر روز نقشه هائی طرح و توسط مسلمان نماهائی از شیعه و سنی اجرا می‌نمایند؟خوب است در افکار و آراء خود قدری مطالعه کنید و هم چنین از روی بی طرفی و با نظر خالی از تعصب به عقاید پاك و مقدس شیعه در اصول و فروع که از مصادر محکم عقلی و قرآن و سنت گرفته شده است بنگرید و بیهوده به القاء شبهات واهی و تهمت و افتراء عواطف شیعه جریحه دار نساخته و برادران سنی ما را گرفتار سوء تفاهم و بدبینی و بی خبری از عقائد و آراء اسلامی ما نسازید.

سرگذشت معمرین در تاریخ

اگر چه راجع به امکان عمر بسیار طولانی در ضمن مطالب گذشته توضیحات کافی داده شد لیکن برای انکه خوانندگان ارجمند بدانند این موضوع از نظر تاریخ هم همواره مورد قبول بشر بوده، خوانندگان را به کتابهای معتبر تاریخ و تراجم و اعلام ارجاع می‌دهیم و یادآور می‌شویم که علاوه بر اینکه در ضمن این کتب شرح احوال بسیاری از معمر ین درج شده کتابهائی نیز به خصوص در ترجمه معمرین تألیف شده مانند «المعمرون» ابی حاتم سجستانی متوفای ۲۴۸ یا ۲۵۰ که نخست به ضمیمه ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۹۹ م در لندن طبع و اخیراً نیز طبع آن تجدید شده و در کتابهائی نیز مانند کمال الدین و غیبت شیخ و امالی شریف مرتضی، یک باب یا فصل به این موضوع اختصاص داده شده است.هر کس به این کتابها مراجعه نماید می‌فهمد که (بیهوده سخن به این درازی نبود) و برایش یقین حاصل می‌شود که این همه نقلهای تاریخی بی مأخذ و مجهول نمی‌باشد و برای عمر بشر حد و مرز معینی نیست تاریخ طولانی و پر از عجایب زندگی بشر، معمرین بی شمار دیده و در روی این زمین خیلی افرادی بیش از حضرت ولی عصر –أرواحنافداه – عمر کرده‌اند.و بدیهی است آنچه ما از تاریخ معمرین می‌دانیم و در کتب تراجمی که در دسترس ما است، ضبط شده تاریخ یک قسمت کوچك از این دنیای بزرگ است و اگر تواریخ ملل دیگر در دست ما بود و اگر از آغاز به حفظ سرگذشت معمرین به اندازه سرگذشت پادشاهان اهمیت داده شده بود، اکنون تواریخ سرگذشت معمرین از تواریخ دیگر مفصل‌تر بود.مع ذلك ما می‌خواستیم جدولی از اسامی معمرین از روی کتب و مآخذی که در دسترس داریم به خوانندگان تقدیم نمائیم ولی چون ملاحظه شد آمارگیری از عموم معمرن در تاریخ، در گذشته و حال حتی در حدود همین تواریخ و مصادری که در دسترس است، وقت و فرصت زیاد لازم دارد، فقط به ذکر نام عده‌ای از آنها به عنوان نمونه و به حکم مثل معروف «حم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز سواء» اکتفا کردیم.

اسامی برخی از معمرین

۱ – آدم، ۹۳۰ سال.۲ – شیث، ۹۱۲ سال.۳ – انوش، ۹۰۵ سال.۴ – قینان، ۹۱۰ سال.۵ – مهللئیل، ۸۹۵ سال.۶ – یارد، ۹۶۲ سال.۷ – اخنوخ، ۳۶۵ سال.۸ – متوشالح، ۹۶۹ سال.۹ – لامک، ۷۷۷ سال.۱۰ – نوح، ۹۵۰ سال. (و بنا بر تواریخ و کتب حدیث مجموع مدت عمر او پیش از بعثت و بعد از طوفان ۲۵۰۰ سال شد).۱۱ – سام، ۶۰۰ سال.۱۲ – ارفکشاد، ۴۳۸ سال.۱۳ – شالح، ۴۳۳ سال.۱۴ – عابر، ۴۶۴ سال.۱۵ – ابراهیم، ۱۷۵ سال.۱۶ – اسمعیل، ۱۳۷ سال.(مدت اعمار این افراد همه طبق تورات نوشته شد که علاوه بر این جمعی دیگر را نیز مانند فالح و رعو و سروج و ناحور و غیره ذکر کرده، مراجعه شود به ترجمه عربی تورات، ط بیروت، ۱۸۷۰م و منتخب الاثر نگارنده، ص ۲۷۶ و ۲۷۷ و ظاهراً اخنوخ همان ایلیا است که یهود و نصاری معتقدند سه هزار و سیصد و هشتاد و دو سال پیش از میلاد زنده به آسمان برده شد و الم مرگ نچشید رجوع شود به کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴).۱۷ – ربیعة بن ضبیع فزاری، ۳۸۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۳ تا ۲۳۵).۱۸ – اوس بن حارثه، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۳۶).۱۹ – عبید بن شرید جرهمی، ۳۵۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۲).۲۰ – برد، ۹۶۲ سال، (کنز الفوائد، ص ۲۴۵).۲۱ – ایوب بن حداد عبدی،

۲۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۲).۲۲ – ثعلبهٔ بن کعب، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۴).۲۳ – تیم الله بن ثعلبه ۵۰۰ سال، (تذکرهٔ الخواص، ص ۲۰۵ و المعمرین، ص ۳۱).۲۴ – ثوب بن تلده اسدی، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۵۹).۲۵ – جعفر بن قرط عامری، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۳).۲۶ – جلهمهٔ بن ادد بن زید، ۵۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶).۲۷ – یحابر بن مالک بن ادد، ۵۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶).۲۸ – زهیر بن عتاب کلبی، ۳۰۰ سال، (کمال الدی، ص ۲۴۶).۲۹ – جلیلهٔ بن کعب، ۱۹۰ سال، (المعمرین، ص ۶۵).۳۰ – حادثهٔ بن صحر، ۱۸۰ سال، (المعمرین، ص ۴۹).۳۱ – حادثهٔ بن عبید کلبی، ۵۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۷).۳۲ – حامل بن حادثه، ۲۳۰ سال، (المعمرین، ص ۶۹).۳۳ – حبابه والبیه که از عصر خلافت علی(ع) تا زمان امامت حضرت رضا(ع) عمر کرد، (کتابهای معتبر حدیث).۳۴ – حارث بن مضامن جرهمی، ۴۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۱ المعمرین، ص ۴۲).۳۵ – ذوالاصبع العدوانی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۸۲).۳۶ – حنظلهٔ بن شرقی، ۲۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۹).۳۷ – درید بن زید، ۴۵۰ سال، (المعمرین، ص ۲۰).۳۸ – ذوجدن حمیری، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۳۳).۳۹ – درید بن صمت ۲۰۰ سال، (المعمرین، ص۲۲).۴۰ – ذوالقرنین، ۳۰۰۰ سال، (تذکرهٔ الخواص، ص ۳۳۷، نقل از تورات).۴۱ – ربیعه بجلی، ۱۹۰ سال، (المعمرین، ص ۶۸).۴۲ – رداد بن کعب نخعی، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۴۲).۴۳ – زهیر بن خباب، ۴۲۰ سال، (المعمرین، ص ۲۵).۴۴ – سطیح کاهن، ۳۰ قرن، (المعمرین، ص ۵).۴۵ – سیف بن وهب، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۱).۴۶ – شریهٔ بن عبدالله جعفی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۳۹).۴۷ – شق کاهن، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۵).۴۸ – صیفی بن ریاح، ۲۷۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۰).۴۹ – ضبیرهٔ بن سعید، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۲۰).۵۰ – عباد بن سعید، ۳۰۰ سال، (المعمرین ص ۷۰).۵۱ – عوف بن کنانه کلبی، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۵۵).۵۲ – عبدالمسیح بن عمروغسانی، ۳۵۰ سال، (المعمرین، ص ۳۸).۵۳ – اوس بن ربیعهٔ اسلمی، ۲۱۴ سال، (المعمرین، ص ۶۶).۵۴ – عبید بن شرید جرهمی، ۳۵۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۲).۵۵ – عمروبن حمهٔ الدوسی ۴۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۱).۵۶ – عمروبن لحی، ۳۴۵ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶).۵۷ – قس بن ساعده، ۶۰۰ سال، (کنزالفوائد، ص ۲۵۴).۵۸ – کعب بن حمهٔ الدوسی، ۳۹۰ سال، (تذکرهٔ الخواص، ص ۲۰۵، المعمرین، ص ۲۲).۵۹ – کعب بن رادهٔ نخعی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۶).۶۰ – محصن بن عتبان زبیدی، ۲۵۶ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۵۵ المعمرین، ۲۱).۶۱ – مرداس بن صبیح، ۲۳۰ سال، (المعمرین، ص ۳۵).۶۲ – مستوغربن ربیعهٔ بن کعب، ۳۳۰ سال، (المعمرین، ص ۹. و سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۹۳).۶۳ – هبل بن عبدالله کلبی جد زهیر بن خباب، ۷۰۰ سال، (المعمرین، ص ۲۹).۶۴ – نفیل بن عبدالله، ۷۰۰ سال، (تذکرهٔ الخواص ص ۲۰۵).مخفی نماند که یادداشت کردن نام معمرینی که شرح حالا تشان در کتاب المعمرین و غیبت شیخ و کمال الدین و کنز الفوائد و کتابهای تاریخ حفظ شده، سبب اطالع مقاله می‌گردد؛ لذا به همی قدر قناعت کردیم.در پایان این مقالات یک بار دیگر نیز یاد آور می‌شویم که آنچه ما پیرامون موضوع طول عمر و نواحی مختلف آن شرح دادیم برای این است که معلوم شود استبعاد عمر بسیار طولانی ناشی از قلت اطلاع از تاریخ و احوال معمرین و جهل به علوم طبیعی و ضعف ایمان به خدا و یا عناد و لجاج و سر پیچی از پذیرفتن حق است.و اگر این شواهد و دلائل هم در بین نبود و مسأله عمر طولانی بی سابقه بود و علوم طبیعی هم امکان طبیعی طول عمر را تأیید نمی‌کرد، طول عمر حضرت ولی عصر – عجل الله تعالی فرجه – یک موضوع خرد پسند و باور کردنی و ثابت بود زیرا با این همه اخبار و بشارات پیامبر اعظم(ص) و ائمه طاهرین(ع) و با آن همه معجزات و خوارق عاداتی که از آن حضرت در عصر حیات پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری(ع) و در غیبت صغری و غیبت کبری صادر شده و با اینکه جمعی بسیار از بزرگان که در صداقت و تقوا و ورع آنها هیچ شبهه‌ای نیست از شرفیابی خود به حضور ولی عصر(ع) خبر داده‌اند و گروههائی که بیش از حد تواتر است به سعادت دیدار ایشان نایل شده‌اند، طول عمر و زندگی آن رهبر عدالت گستر جهان ثابت و محرز است، همانطور که معجزات انبیاء با اینکه خارق عادات است با اتکاء به تواتر خبر دهندگان و قدرت مطلق الهی ثابت و مسلم است.«اللهم انا نرغب الیک فی دولهٔ کریمهٔ تعزبها الاسلام و أهله و تذل بها النفاق و

أهله، و تجعلنا فیها من الدعاۀ الی طاعتک و القادۀ الی سبیلک، ترزقنا بها کرامۀ الدنیا و الاخرۀ».

پاورقی

[۱] اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵.

[۲] اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵.

[۳] مجله دانشمند، شماره مسلسل ۶۱.

[۴] مجله دانشمند، شماره مسلسل ۶۱.

[۵] اطلاعات، شماره ۱۱۸۰۵.

[۶] شماره ۵، سال ۳۸، ص ۶۰۷ و منتخب الاثر، ص ۲۷۸.

[۷] الهلال، شماره ۵، سال ۳۸، مارس ۱۹۳۰ و منتخب الاثر، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.

[۸] رجوع شود به ترجمه تورات از لغت عبرانی و کلدانی و یونانی به لغت عربی، طبع بیروت، سال ۱۸۷۰ / م.

[۹] رجوع شود به کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴.

[۱۰] البته غرض از تعبیر استثنائی و منفرد در اینجا این نسیت که استثناء بر اساس قاعده و قانونی نیست و مثل استثنائات عرف ما تبعیض بی جهت و بی مصلحت باشد، بلکه این استثنائات نیز طبق نو امیس خاصه و سنن الهی ظاهر می‌شود و اطلاق استثناء بر اینگونه پدیده‌ها از جهت این است که به حسب معتاد و سابقه و اطلاعات ما به ندرت دیده می‌شوند. از نظر ما ظهور فلان ستاره یا حادثه جوی یک امر استثنائی و بی سابقه است اما از نظر کسی که به اوضاع و احوال و حرکات ستارگان ومنظومه‌ها عالم است یک امر با سابقه است که مکرر در دوران صدها هزار سال جهان روی داده است.

[۱۱] نور دانش، شماره ۶، دوره جدید، سال پنجم.

[۱۲] اطلاعات، شماره ۹۷۷.

[۱۳] نور دانش، شماره ۶، دوره جدید، سال ۵.

[۱۴] سوره روم، آیه ۲۲.

[۱۵] اطلاعات، شماره ۸۹۳۰.

[۱۶] مجله کل شیء. و تفسیر منطاوی، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

[۱۷] روزنامه «الثوره» چاپ بغداد، شماره ۹۴، سال اول.

[۱۸] منتخب الاثر، ص ۲۰۶، ف ۲، ب ۱۰، ح ۶.

[۱۹] منتخب الاثر، باب ۱۷، ف ۲، ح ۲، ص ۲۲۱.

[۲۰] منتخب الاثر، الباب الحادی و الثلاثون فی «انه شاب لا یهرم بمرور الایام»، ب ۳۱، ح ۲، فصل ۲.

[۲۱] سوره عنکبوت آیه ۱۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی:


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹